

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ

سرفصل دروس تخصصی دوره کارشناسی ارشد مخاطرات محیطی - گرایش طبیعی

عنوان درس:	تعداد	نوع واحد:	دروس پیش نیاز:
اصول و روش های ارزیابی پیامدهای مخاطرات طبیعی	واحد: ۲	نظری-علمی	۱. مخاطرات زیست محیطی ۲. مخاطرات اقلیمی ۳. مخاطرات هیدرولوژیک ۴. مخاطرات زئومورفولوژیکی
اسناد متخصص برای تدریس: جغرافیدان طبیعی	تعداد ساعت: ۵۱	آموزش تکمیلی عملی: دارد ■ سفر علمی □ آزمایشگاه ■ کارگاه □ سمینار □	ندارد □

اهداف:

افزایش بینش ، آگاهی و نگرش علمی فراگیران با پیامدهای اجتماعی ، اقتصادی و امنیتی مخاطرات محیطی در راستای :  
دستیابی به قابلیت های مورد نیاز برای مدیریت بحران های محیطی

سرفصل ها:

الف - مفهوم و کارکرد شناسی پیامدهای اجتماعی

۱- مبانی نظری و مفهومی پیامد

نظریه سیستمی و بحران های طبیعی

۲- اشکال پیامد (پیامدهای مستقیم ، پیامدهای غیرمستقیم پیامدهای ثانویه)

۳- ویژگی های پیامد (شدت ، دامنه ، دوام)

ب - پیامد های اجتماعی

پیامد های روانشناختی بحران های محیطی (تغییرات رفتاری - اختلال در ارگانیسم های انسانی - بهداشت روانی)  
پیامد های اجتماعی بحران های محیطی ( همبستگی ها و ازهم گسیختگی ها)  
پیامد های فرهنگی بحران های محیطی (شکاف انتظارات ، توقعات و قابلیت ها)

ج - پیامد های اقتصادی

پیامد های اقتصادی خرد و نزدیک (فردی - خانوادگی - محیطی)  
پیامد های اقتصادی کلان و دور ( زیرساخت های منطقه ای و ملی)

د - پیامد های امنیتی

افزایش نقاط کور  
افزایش فضاهای بدون دفاع  
نا امنی و فشار ساختاری  
تغییر اولویت ها

بی نظمی محیطی

افزایش فرصت های نامشروع

## منابع :

۱- امیری، عبدالرضا (۱۳۸۷) بحرانهای طبیعی و نظم و امنیت اجتماعی، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، تهران

۲- نجاریان، بهمنی و فرید براتی (۱۳۷۹) پیامدهای روانشناختی فاجعه ها، سده نشر مسیر، تهران

۳- ویگنیز، استیفن (۱۳۷۷) جهان بی نظم و بحران در تنوری ها و مدیریت سازمان های نوین، ترجمه محمد علی حقیقی و نسرین افتخار آزاد نشر ترمه، تهران

۴- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه انومیک، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران

# مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک

# دیدگاه‌های نظری و زمینه‌های اجتماعی

- بررسی جامعه شناختی آسیب‌های اجتماعی نیاز به طرح اصول نظری و تحلیل جامعه شناختی کج رفتاری دارد.
- برخی صاحب‌نظران معتقدند که سرچشمه‌های کج رفتاری در ساختار روابط اجتماعی جوامع نهفته است.
- توزیع نابرابر منابع اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی در جوامع منشاء کج رفتاری می‌شود.
- چگونگی توزیع فرصت‌ها و امکانات در جامعه نرمال با جامعه آن‌رمال می‌تواند بسیار متفاوت باشد در واقع همین عوامل و متغیرها می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد.

# جستجوی علل کج رفتاری ها

- بررسی علل و عوامل بروز انواع کج رفتاری، نابهنجاری، جرائم و انحرافات که با مفهوم کلی آسیب های اجتماعی (Social Pathology) طبقه بندی می شود از جمله مواردی است که متخصصین علوم اجتماعی و علوم انسانی بر آن تاکید دارند.

# علل و عوامل موثر بر جرم در مطالعات پیشین

- نظریه های متعددی در مورد انحرافات اجتماعی وجود دارد.
- الف - برخی در یک دسته بندی کلان کلیه علل و عوامل مطرح شده توسط صاحب نظران را به دسته بزرگ : (۱) زیست شناختی (۲) روان شناختی (۳) جامعه شناختی تقسیم کرده اند.
- ب - بعضی دیگر نیز در دسته بندی مشابهی ، علل و عوامل کج رفتاری انسان ها به سه گروه عمده (۱) نظریه های وفاق (۲) نظریه های فشار (۳) نظریه های مجرم سازی تقسیم بندی کرده اند.



# دیدگاه‌های زیست‌شناختی

- دیدگاه زیست‌شناسی بر این اعتقاد است که علل جرم و انحرافات در ذات خود افراد می‌باشد و افراد ذاتاً مجرم هستند.

# دیدگاه روانشناختی

- روان‌شناسان معتقدند که شرایط حاکم بر فضای موجود در جامعه به گونه‌ای است که افراد را به طرف جرم می‌کشاند و باعث پدید آمدن جرم می‌گردد، به گونه‌ای که با وجود شرایط مذکور فرد توان مقابله با جرم، و خودداری از انجام آن را ندارد.
- یعنی نقش و تاثیر محیط بر انسان

# دیدگاه جامعه‌شناختی

- اما جامعه‌شناسان وجود خرده فرهنگ‌ها را علتی برای به وجود آمدن جرم در افراد جامعه می‌دانند. وقتی خرده فرهنگ که فرد در آن رشد می‌کند نتواند در راستای فرهنگ کل جامعه حرکت کند و با فرهنگ جامعه سازگاری نداشته باشد، در آن صورت جرم و انحراف در جامعه به وقوع خواهد پیوست.
- در این دیدگاه، کالبد زیستی، صفات شخصیتی و یا ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی کج رفتاران و غیر آنان متفاوت است و همین تفاوت‌ها را علت اصلی ارتکاب جرم و کج رفتاری برشمرده‌اند.

## نظریه وفاق

- از این منظر، نظریه های وفاق با فرض اینکه اکثریت قابل توجهی از مردم با تکیه بر ارزش های مشترک ، در مورد عمل به هنجارهای مقبول اجتماعی توافق دارند، علت اصلی کج رفتاری را نبود یا ضعف کنترل های اجتماعی (التزام اجتماعی) می دانند.

## تقسیم بندی کج رفتاری انسان ها به سه گروه عمده نظریه های وفاق ، فشار و مجرم سازی

### نظریه فشار

- نظریه های فشار هم مدعی اند که تفاوت های ارزشی ناشی از تنوع فرهنگ ، جایگاه و فرصت های اشخاص ، آنان را منشعب ساخته و به چالش با هنجارهای غالب وامی دارد. از این دیدگاه ، نیروهایی در هر جامعه وجود دارند که افراد را با فشار به سمت ارتکاب جرم و کج رفتاری می رانند.

## تقسیم بندی کج رفتاری انسان ها به سه گروه عمده نظریه های وفاق ، فشار و مجرم سازی

### نظریه مجرم سازی

- اما نظریه های مجرم سازی بر این سؤال اصلی تأکید دارند که چرا برخی افراد طی فرایند مجرم سازی از دیگران جدا شده و «مجرم» خوانده می شوند. این نظریه به خلاف نظریه های وفاق که فرض کرده است که در جامعه نوعی توافق اساسی بر سر تعریف کج رفتاری وجود دارد، تنها به چنین وفاقی باور ندارند بلکه مدعی اند که تضادهای موجود در جامعه بر سر تعریف های کج رفتاری ، نقطه شروع تبیین علت کج رفتاری هاست
- بحث اصلی در نظریه های مجرم سازی به چگونگی تمجید یا تحقیر نوعی رفتار در گروه های خاصی از جامعه و اینکه این تمجیدها و تحقیرها بر رفتارهای آینده افراد چه تأثیری دارد، مربوط می شود. نگاه این نظریه ها در عین حال نگاهی است انتقادی به نقش تعیین کننده دولت ها و مقامات در تعریف کج رفتاری و جرم ، تعصب و افراطشان در اجرای منویات خود، حداقل در مورد طبقه محروم و نقش مداخله گر، مزاحم و سرکوبگر دولت در امور مربوط به رفتارهای اجتماعی آنان

# آسیب شناسی اجتماعی

- مطالعه انحرافات و کجروی های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی (Social Pathology) عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های اجتماعی. مثل مطالعه ریشه بی نظمی های اجتماعی ایرانیان داخل و خارج کشور
- در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها و آسیب هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و...، همراه با علل و شیوه های پیش گیری و درمان آن ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. مثلا بررسی دلایل بالا بودن طلاق در ایران (بیش از ۲۵ درصد) و پایین بودن نرخ آن در هندوستان (۱/۱ درصد طلاق)
- به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می آید و رفتارها آسیب می بیند.
- یعنی، آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است.

- اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، **کجروی اجتماعی** تلقی می شود. مثل دزدی، درگیری خیابانی یا توهین به مقدسات و ...
- سازمان یا هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند.
- افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان ها پای بند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و ناسازگار می باشند.
- در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجاری آنان دائمی باشد و **زودگذر و گذرا نباشد**، کجرو یا منحرف نامیده می شوند.
- این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی یا (Social Devianced) و یا کجروی اجتماعی گویند.



**حال سؤال این است که چگونه تشخیص دهیم رفتاری از حالت عادی و - به اصطلاح - نرمال خارج شده و به حالتی غیر نرمال و نابهنجار تبدیل شده است؟**

- ملاک ها و معیارهایی وجود دارد. با این معیارها و ملاک ها می توان تشخیص داد که رفتاری در یک سازمان، نهاد و یا جامعه ای، عادی و مقبول و نرمال است، یا غیر عادی، غیر نرمال و نابهنجار.

# چهار معیار برای شناخت رفتار نرمال و غیر نرمال

- ملاک آماری
- ملاک اجتماعی
- ملاک فردی
- ملاک دینی

# ملاک آماری

- از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می دهد. کسانی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد نابهنجار تلقی می شوند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی تلقی می شود. برای مثال، از نظر آماری وقتی گفته می شود که لباسی مُد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می پوشند. بنابراین، صفتی که برخی افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار تلقی شده و غیر طبیعی و نابهنجار تلقی می شود.

# ملاک اجتماعی

- انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت‌ها و انتظارات جامعه و یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می‌کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است. یعنی رفتاری که مورد قبول افراد نباشد و مثلاً با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه، با عکس العمل آنان مواجه شویم، این گونه رفتارها نابهنجار تلقی می‌شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است.

# ملاک فردی

- از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، میزان و شدت ناراحتی است که فرد احساس می کند. یعنی اگر این رفتار خاص، با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سازمان خاصی مثلا فرهنگیان و یا کل افراد جامعه ناسازگار باشد، یعنی به سازگاری فرد لطمه بزند و با عکس العمل افراد آن جامعه یا آن نهاد مواجه گردد، چنین رفتاری نابهنجار تلقی می شود.

# ملاک دینی

- معیار و ملاک دیگری برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار وجود دارد؛ چرا که معیارهای فردی، اجتماعی و آماری معیارهایی است که توسط افراد یک جامعه با قطع نظر از نوع اعتقادات، مورد پذیرش واقع می شود؛ یعنی افراد جامعه در خصوص ارزش یا هنجاری بودن موضوع خاص توافق نموده، در عمل به آن پای بندند و متخلفان را بسته به نوع و اهمیت هنجار، تنبیه می کنند.
- اما در یک جامعه دینی معیارهای فوق برای ارزش های اجتماعی است و در آنجا کارایی دارد. معیار تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود.
- برای مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجار شکنی تلقی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملا عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

- بنابراین، معیار تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می شود

## حال سؤال این است که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند و عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟

- بررسی و ریشه یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات اجتماعی، امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود.



# عوامل مهم پیدایش انحرافات اجتماعی

- عوامل به وجود آورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست.
- مناطق مختلف از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوتند.
- نوع انحرافات اجتماعی در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر با هم تفاوت دارد.
- در هر جامعه و محیطی، سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این ها در حسن رفتار و یا بد رفتاری افراد مؤثر است. (مثل تفاوت آشکار در انحرافات اجتماعی شهر تهران و یزد)
- شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد.
- حاشیه نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد.
- تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورّم و گرانی هزینه های زندگی، موجب می شود تا افراد غیر کارآمد که درآمدها را کفاف نمی دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی بزنند.
- از دیگر عوامل محیطی جرم، می توان فقر، بیکاری، تورّم و شرایط بد اقتصادی نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد.

## در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل زمینه ساز می تواند مؤثر باشد

- عوامل فردی
- عوامل روانی
- عوامل محیطی
- عوامل اجتماعی

# عوامل فردی زمینه ساز رفتارهای نابهنجار و آسیب زا

- جنس
- سن
- وضعیت ظاهری و قیافه
- ضعف و قدرت
- بیماری
- عامل ژنتیک

# عوامل روانی زمینه ساز رفتارهای نابهنجار و آسیب زا

- حساسیت
- نفرت
- ترس و وحشت
- اضطراب
- کم هوشی
- خیال پردازی
- قدرت طلبی
- کم رویی

# عوامل محیطی زمینه ساز رفتارهای نابهنجار و آسیب زا

- اوضاع و شرایط اقلیمی
- شهر و روستا
- کوچه و خیابان
- گرما و سرما

# عوامل اجتماعی زمینه ساز رفتارهای نابهنجار و آسیب زا

- خانواده
- طلاق
- فقر
- فرهنگ
- اقتصاد
- بی کاری
- شغل
- رسانه ها
- مهاجرت
- جمعیت

## نکته مهم

- از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشد، از این رو، نمی توان به یک باره فرد بزهکار را به عنوان علت العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت

# در بین علل و عوامل زمینه ساز بروز ناهنجاری، چه پارامترهایی می تواند نقش بیشتری در بروز انحرافات اجتماعی داشته باشد؟

- عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی
- آشفتگی کانون خانواده
- طرد اجتماعی
- نوع شغل
- بیکاری و عدم اشتغال
- فقر و مشکلات معیشتی
- دوستان ناباب
- محیط
- فقر فرهنگی و تربیت نادرست
- رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی



# عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی

- مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر صورت گرفته است، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی خواندند و ۵۳ درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند.
- به هر حال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور ما نیز مؤید همین نظریه است. بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی باشد.

# آشفته‌گی کانون خانواده

- از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد.
- روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند. در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار ناملايمات می شوند.
- علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده، و در برخی موارد به دلیل بی توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوری فرد به ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود.
- بر اساس نتایج یک پژوهش، ۴۷ نفر از جامعه آماری به نحوی از انحا از جمله عوامل کلیدی و مهم بزهکاری خویش را والدین، خانواده، بی توجهی، بی موالاتی و عدم نظارت آنان دانسته اند؛ به عبارت دیگر، از نظر آنان والدین ایشان در بزهکاری شان نقش داشته اند.

# ادامه (آشفتگی کانون خانواده)

- دورکیم: معتقد است ناهمنوایی، هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان همنوایی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفتگی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است
- همچنین با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، سارقان، عمده عوامل سارق شدن خویش را «بد رفتاری، بداخلاقی، بی تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» دانسته اند.
- در یک پژوهش، حدود ۶۸ درصد سارقان معتقدند که والدینشان در گرایش آنان به سرقت نقش داشته اند. با توجه به همین پژوهش، عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی تفاوتی والدین، بی سوادی آنان و... جملگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در این پژوهش به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی توجه بوده اند، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است. روی آوری به سرقت یکی از راه های برون رفت از این سرخوردگی، از نظر جوانان در این پژوهش تلقی شده است.

## طرد اجتماعی

- چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد.
- علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این گونه بی مهری ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می زنند.

# نوع شغل

- از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی دارد، ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است.
- از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می یابد. این مهم در خصوص مشاغل دولتی حایز اهمیت است.

## ادامه (نوع شغل)

- علاوه بر این، مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم درآمد نیز موجب می شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل های دوم و سوم روی آورده، و ناخواسته از خانه، کاشانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست، تلاشی خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد.
- در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم درآمد می باشد.

# بیکاری و عدم اشتغال

- از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان، بیکاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بیکاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند.
- علاوه براین، چون بیکاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید.
- از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بیکاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

# فقر و مشکلات معیشتی

- در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایی را در فرزندان فراهم می سازد. این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.
- از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی والدین نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آن ها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند.
- در یک پژوهش صورت گرفته در استان قم در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان جوانان قمی، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند: اگر شغل مناسبی داشتم؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زدم. از سوی دیگر، بر اساس یافته های همین پژوهش، حدود ۴۷ درصد افراد یا بی کارند و یا فاقد درآمد و حدود ۶۹ درصد افراد سارق و خانواده های ایشان در این پژوهش، زیر خط فقر قرار دارند!
- علاوه بر این، پژوهش های نظری نیز مؤید این دیدگاه است که فقر زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی است. برای نمونه، از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف های موردنظر در اختیار داشته باشند (و یا جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد)، و هدف اصلی (رفاه و سعادت مردم) فراموش شود، افراد اهداف و آرمان های موردنظر جامعه را نمی توانند با پیروی از راه های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند، از این رو، دزدی، فریب کاری، فساد، رشوه، و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می یابد.



# دوستان ناباب

- گروه همسالان و دوستان، الگوهای مورد قبول افراد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود.
- از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد.
- تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می گیرد. بدین روی، اگر فردی با گروهی از معتادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می گیرد و معتاد می شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن هاست و از سوی دیگر، معتادان هم علاقه مندند که مواد مخدر را به طور دسته جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتماع بر خود بکاهند.
- از این رو، معتادان علاقه مندند که دوستان و همسالان خود را به جرگه اعتیادشان بکشانند. در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده اش او را از مضرات اعتیاد مطلع نکرده باشند و در محیط اعتیاد زندگی کند و با دوستان معتاد نیز سر و کار داشته باشد، احتمال اینکه معتاد شود زیاد است. همین فرایند تأثیر گروه بر فرد در سایر انواع بزهکاری به غیر از اعتیاد نیز صادق است.

## ادامه (دوستان ناباب)

- علاوه بر این، پژوهش های میدانی نیز مؤید همین سخن است. در یک پژوهش، ۵۰ درصد بزهکاران و سارقان اظهار کرده اند که دوستان ایشان توسط پلیس دستگیر شده اند و نیز حدود ۴۷ درصد از آنان، تیپ دوستانشان نوعاً افراد خلافکار بوده اند! تعدادی از آنان نیز اظهار کرده اند که دوستان ناباب نقش زیادی در سارق شدن افراد دارند و ۴۲ درصد از همین افراد اظهار کرده اند که به خاطر جلب توجه دوستانشان دست به سرقت زده اند. در این خصوص سخنان رهبران دینی نیز شنیدنی است. در سخنان پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) آمده است: «المرء علی دین اخیه»؛ هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می کند.
- از این رو، رهبران دینی ما را از ارتباط و معاشرت با افراد منحرف و بزهکار و دوستان ناباب باز می دارند. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرمایند: «مجالسه اهل الهوی منسأه للایمان و محضره للشیطان. همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را حاضر می کند.
- همچنین امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «لاتصحبوا اهل البدع و لاتجالسوهم فتصیروا عند الناس کواحد منهم» با افراد منحرف همنشینی و معاشرت نداشته باشید؛ زیرا همنشینی با آنان موجب می شود که مردم شما را یکی از آنان به شمار آورند.

# ساترلند و نظریه انتقال فرهنگی کجروی

- ساترلند در این نظریه، بر این نکته مهم تأکید می کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران - یعنی منحرفان و دوستان ناباب - آموخته می شود و همان گونه که همنوایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می شوند.
- این نظریه تأکید می کند که فرد منحرف تنها با هنجارشکنان، و فرد همنوا تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سر و کار دارد. اما اینکه کدام یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می کنند و تأثیر می گذارند، معتقد است که به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که این عوامل عبارتند از:
- شدت تماس با دیگران : احتمال انحراف فرد در اثر تماس با دوستان یا اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا در اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود.
- سن زمان تماس: تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان های دیگر و سایر مقاطع سنی است.
- میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با غیر منحرفان: هرچه ارتباط و معاشرت با کج رفتاران نسبت به همنوایان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود.

# White Collar Criminality

- مجرمین یقه سفید کسانی هستند که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می شوند. مهم ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدانی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست محیطی، جرایم رایانه ای و جرایم گمرکی.

# محیط

- محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می دهد.
- در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی های آن اسیر می شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد، بسیار ضعیف خواهد بود.
- محیط در شکل گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین کننده و مؤثری ایفا می کند. بنابراین محیط آلوده، افراد را آلوده و محیط سالم و با نشاط، زمینه ساز رشد و شکوفایی و شادابی و نشاط افراد است.

# فقر فرهنگی و تربیت نادرست

- از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم همنوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می کند.
- تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود.
- تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می کند و با ایجاد بحران های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس العمل های منفی نظیر سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می دهد.
- همان گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می تواند عامل بروز ناهنجاری های رفتاری در فرزندان شود، توجه بیش از حد متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می تواند زمینه بروز ناهنجاری های رفتاری در آنان شود.
- در شیوه فرزندسالاری، اغلب تمایلات و خواسته های فرزندان محقق می شود، از این رو، به محض ایجاد مشکلات و بحران ها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از نیازها سلب می شود و یا در شرایطی که خواسته های فرزند به افراط می گراید و والدین با آن مخالفت می نمایند، فرزند به دلیل تربیت شدید عاطفی، روحیه عدم درک منطقی شرایط، نازپروری و بی تحملی در برابر مخالفت والدین، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می گردد و سرانجام می تواند زمینه ارتکاب انواع جرایم را فراهم سازد.

# رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

- رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (مبتذل، عامه پسند و جنجالی) به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن ها جلب شده است.

- این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه های آسیب های اجتماعی مختلف شده است. از سوی دیگر، پخش شمار قابل توجهی از سریال های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه های ماهواره ای خارجی، با مضامین زندگی های مجرد گونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرایم اجتماعی را ایفا کرده است. نقش رسانه های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی و عدم پای بندی مذهبی حایز اهمیت است.

# پیشنهاداتی برای کاهش انحرافات اجتماعی

- الف) اقدامات پیشگیرانه
- ب) راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان
- ج) وظایف خانواده
- د) وظایف سایر نهادها



# اقدامات پیشگیرانه برای کاهش انحرافات اجتماعی

- هماهنگ کردن بخش های عمومی و خصوصی که در زمینه پیش گیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری ها، شوراها، امور جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیش گیرانه و هماهنگی بیش تر
- آگاهی دادن به خانواده ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان
- اتخاذ تدابیر امنیتی بیش تر توسط دولت در محل های جرم خیز و اقداماتی به منظور کمک به خانواده ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند
- اطلاع رسانی شفاف رسانه های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت هایی که جامعه برای آنان قرار داده است
- تجهیز پلیس برای مقابله جدی با باندهای مخوف انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه
- اقدامات امنیتی برای مراکز حساس تجاری، بانکی و ...

## راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان برای کاهش انحرافات اجتماعی

- شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است و ارضا نشدن آن و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته و زندگی را به کام فرد تلخ می کند و فرد را به انحراف می کشاند.
- توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گفتار، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب ماندگی ذهنی
- توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس
- توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس.
- توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی و ...

# وظایف خانواده برای کاهش انحرافات اجتماعی

- دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند.
- تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای بندی عملی والدین به آموزه های دینی
- ایجاد سازگاری در محیط خانه.
- ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان.
- تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین.
- توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده
- مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود
- برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان
- نظارت جدی والدین نسبت به دوست یابی فرزندان

# وظایف سایر نهادها (آموزش و پرورش، بهزیستی و نهادی قضاوتی و حاکمیتی) برای کاهش انحرافات اجتماعی

- تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی
- تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس
- بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان
- ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان
- اعمال مجازات های سنگین، علنی و جدی (در ملاء عام) برای باندهای فساد، اغفال و ...
- تقویت نظارت های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی
- برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، و پی گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان
- جلوگیری از مهاجرت های بی رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به اشتغال های کاذب مثل کوپن فروشی، سیکار فروشی، نوآفروشی و ...
- ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛  
■ ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال و ...
- ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بیکاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و ...
- فراهم کردن موقعیت ها و بسترهای لازم در جامعه، تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد.